

گذری بر «روایتی از تبعید حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در دوران اختناق پهلوی دوم»

مردی که «بر تبعید» بود!

■ سمانه صادقی



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که بر عنوان خویش نیز آورده است، «روایتی از تبعید حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در دوران اختناق پهلوی دوم» را در خویش

دارد. این گزارش خواندنی، ازسوی مؤسسه فرهنگی- جهادی صهبا تولید و منتشر شده است. تارنمای ناشر در باب مضمون و محتوای «بر تبعید»، به نکات بی‌ آمدۀ اشارت برده است. «شهر کوچک ایرانشهر در سال ۶۰، میهمانی داشت تبعیدی؛ میهمانی که به‌اختیار راهی آن دیار نشده بود، اما با شوق و شکر پا در آن گذاشت و هرچه گذشت بر شکرش افزوده شد و دلستگی‌اش به یاران ایرانشهری فزونی یافت و صهبا توفیق داشته که این تبعید ظالمانه، اما مبارک برای ایران و ایرانشهر را در حد توان در کتابی ثبت کند. در مرحله تحقیقات برای این کتاب، چند سفر به شهرهای زاهدان، ایرانشهر، جیرفت، بم و مشهد انجام و با تعدادی از افرادی که دوران تبعید حضرت آقا را کم و بیش درک کرده‌اند، مصاحبه شد، اما اصلی‌ترین بخش این کتاب، متن مصاحبه‌ای است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آن به‌شکل مفصل و با جزئیات، دوران تبعید خودشان به شهرهای ایرانشهر و جیرفت را تعریف می‌کنند. چرا رژیم طاغوت ایشان را تبعید کرد؟ و چرا تبعید ایشان نتیجه عکس داد و جز شکست، چیزی برای حکومت پهلوی به بار نیاورد؟ رژیم در بر خورد با حرکت روحانیان و متفکران انقلابی و پیرو حضرت امام - که در قالب برنامه‌های مذهبی، سخنرانی‌ها، روضه‌ها و منبرها، سفرهای تبلیغی، و درس‌ها و کتاب‌هایشان، مشغول آگاه‌کردن مردم بودند- باید کاری می‌کرد. کاری که در ظاهر چندان خشن نباشد و در عمل افراد مؤثر را از اثر بیندازد.



۱۳۵۶. شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای در دوره تبعید به ایرانشهر

تبعید، آخرین راهکار بود؛ تبعید به شهرهایی کوچک و عموماً دور از مرکز. در این بستر کلی، آیت‌الله خامنه‌ای پس از شش‌بار دستگیری و زندان به ایرانشهر و پس از آن به جیرفت تبعید شدند که این تبعید از زیباترین جلوه‌های مکر الهی در به‌هم‌زدن حیل‌های شیطانی رژیم طاغوت برای بی‌اثر کردن فعالیت‌های انقلابی این مبارز، هوشمند و روشنگر بود. ایشان در امتداد ۲۸۵ روز اقامت اجباری خود در ایرانشهر و جیرفت نه در تبعید که بر تبعید بودند. درست مانند پیر و مقتدایشان امام خمینی (ره) که از ادوار متفاوت تبعید خود در ترکیه، عراق و فرانسه، بهترین استفاده را برای پیشبرد مراحل مختلف انقلاب اسلامی بردند. در واقع هر چند ظاهر آه‌همه‌چیز حساب‌شده بود و باید به نتیجه می‌رسید، اما مکر الهی، فسق این حیل‌های شیطانی عمل کرد و تبعید علما، نمره‌ای برای انقلاب داشت که در حالت عادی و حضور آنان در تهران و مشهد و قم و... حاصل نمی‌شد...»

در بخشی از «بر تبعید»، چنین می‌خوانیم: «غروب یازدهمین روز از تابستان بود. نماز مغرب که به امامت آقای خامنه‌ای شروع شد، مسجد آل‌رسول پر از جمعیت بود. از اواسط نماز، صداهای خروشان عجیبی به گوش نمازگزاران رسیده بود، اما کسی توجهی به صداها نکرده بود و کسی هم حس نرده بود که این صداها ممکن است صدای سیل باشد! باور کردنی نبود، اما خب بعد از اتمام نماز، همه به چشم خود دیدند آن اتفاق باورنکردنی را! سیل آمده و در چشم برهم زدن، غوغایی به پا کرده بود؛ به هرا که رسیده بود، ویران کرده و به پیش تاخته بود! خروشد و بنیان خانه و زندگی مردم را به آب داده بود! سیدعلی آقای خامنه‌ای که در چنین بحران‌هایی تجربه و سابقه‌اداره کردن اوضاع را داشت، به‌سرت‌امور را در دست گرفت...»

■ مریم صادقی‌بری

یکی از وجوه کمتر روایت شده‌ه از سیره علمی و فرهنگی رهبر شهید انقلاب اسلامی توجه ویژه ایشان به تحصیل و آموزش بانوان به‌ویژه در حوزه علوم و معارف دینی است؛ رویکردی که ریشه‌های آن را باید در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی جست‌وجو کرد و پس از آن نیز در حمایت از این قشر برای تحصیل علوم دینی و همچنین تأکید بر ضرورت قرار گرفتن زنان فقیه در مسیر اجتهاد و پاسخگویی به مسائل زنان و تربیت بانوان ادامه یافت. این رویکرد در طول دهه‌های بعد، ابعاد گسترده‌تری یافت و به حمایت از تقای جایگاه علمی بانوان و تربیت آنان برای ایفای نقش‌های آموزشی، فرهنگی و علمی انجامید. در این نوشتار به بازخوانی تحلیلی روایت دو نفر از بانوانی می‌پردازم که از نزدیک شاهد تلاش‌های مؤثر حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای در مسیر ارتقای سطح علمی زنان و تربیت بانوان عالمه بوده‌اند؛ دو روایتی که می‌تواند گوشه‌ای از این مسیر و بخش کمتر دیده شده از تاریخ آموزش دینی زنان در ایران معاصر را، برای تاریخ‌یژوهان و علاقه‌مندان روشن کند.

■ ■ ■

■ **روایت اول، بانو طاهایی و تجربه یک تربیت علمی-انقلابی**

روایت اول مربوط به بانو فاطمه طاهایی (اشرف‌السادات خاموشی)، مؤسس مکتب نرجس در مشهد است. وی در سال ۱۳۰۹ ش، در تهران و در خانواده‌ای مذهبی و مرتبط با عالمان و معتمدان بازار تهران به دنیا آمد. به دلیل محدودیت‌های آموزشی آن دوره از تحصیلات رسمی مدرسه‌ای برخوردار نشد و خواندن و نوشتن را با معلم خصوصی خویش فراگرفت. پس از ازدواج، علوم همسرش و سیدجلال‌الدین طاهایی، همسر خویش هم‌مخت و به‌تدریج در مسیر دانش‌اندوزی دینی قرار



فاصله میان مکتب نرجس در مشهد و نشست‌های فقه پزشکی در تهران، اگر چه به درازای چند دهه است، اما می‌توان در هر دو یک خط ممتد را مشاهده کرد: رویکرد رهبر شهید از آموزش زنان به تربیت بانوان عالمه و از این تربیت به میدان دادن به زن فقیه برای تولید دانش. این مسیر، بخشی کمتر دیده شده از تاریخ حضور علمی زنان در ایران معاصر است؛ روایتی که بازخوانی آن می‌تواند درک ما از نقش زنان در تحولات فرهنگی و علمی پیش و پس از انقلاب اسلامی را کامل‌تر کند



حمایت ۵۰ ساله رهبر شهید از تربیت بانوان دانشمند در آیین ۳ روایت

از مکتب نرجس در مشهد

تانشست‌های فقه پزشکی در تهران

گرفت و با مهاجرت به مشهد از محضر اساتید بنام این خطه همچون آیت‌الله میرزاجواد آقا تهرانی، دایی خود آیت‌الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی (عبدخدایی)، آیت‌الله نهانودی، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد و حجت‌الاسلام موسویان بهره برد. اهمیت زندگی علمی بانو طاهایی تنها در فراگیری علوم اسلامی خلاصه نشد. او آموخته‌های خود را به بستری برای آموزش و تربیت دیگر بانوان تبدیل کرد و در سال ۱۳۴۵ ش، مکتب نرجس (س) را در مشهد بنیان نهاد؛ مجموعه‌ای که به‌تدریج به یکی از کانون‌های مهم آموزش معارف اسلامی و تربیت بانوان در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل شد. در این مسیر، ارتباط علمی بانو طاهایی با شهید آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای اهمیت ویژه‌ای یافت. ایشان با آموزش مباحثی چون تفسیر و عقاید به بانو طاهایی، در تقویت بنیه علمی وی برای تعلیم بانوان نقش داشتند. چنانکه بانو طاهایی در خاطرات خود تصریح کرده، اندیشه و حرکت انقلابی خود را این ارتباط علمی و فکری بر گرفته است. وی در خاطراتش از آشنایی با قائد شهید و حضور در جلسات خصوصی درس تفسیر و عقاید ایشان، چنین روایتی دارد: «حدود دو یا سه سال پیش از تعطیلی حوزه علمیه، افتخار آشنایی با آیت‌الله خامنه‌ای را پیدا کردم. ما در محله سرشو، همسایه بودیم. یک روز همراه با همسر، خدمت ایشان رسیدیم و مدتی با هم گفت‌وگو کردیم. آقا نسبت به ما لطف فراوانی داشتند. ایشان از گذشته، خانواده ما را می‌شناختند، هرچند پیش از آن دیدار حضوری نداشتیم. در همان دیدار از ایشان درخواست کردم برای من برنامه آموزشی و فکری خودتان هدایت و رهبری جمیع کنیری از بانوان را بر عهده دارید... سپس پذیرفتند برای ما برنامه‌ای تنظیم کنند. مدتی برایم مطالب تفسیری می‌نوشتند. من نیز تفسیر موضوعی قرآن را تدریس می‌کردم؛ موضوعاتی مانند ایمان از دیدگاه قرآن و دیگر مباحثی که خودم

تاریخ

تاریخ ۰۶۰۲۳۳۸۸۵

۱۳۷۲ آذر ۲۰ در دیدار با جمعی از بانوان



یکی از جنبه‌های کمتر روایت‌شده از سیره رهبر شهید، توجه ویژه ایشان به تحصیل بانوان، به‌ویژه در حوزه علوم دینی است؛ رویکردی که باید ریشه‌های آن را در سالیان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی جست‌وجو کرد و پس از آن نیز در حمایت از این قشر برای تحصیل علوم دینی و همچنین تأکید بر ضرورت قرار گرفتن زنان فقیه در مسیر پاسخگویی به مسائل بانوان استمرار یافت. این شیوه، بعدها ابعاد گسترده‌تری یافت و به تربیت بانوان برای ایفای نقش‌های آموزشی، فرهنگی و علمی انجامید

روایت دوم به بانو زهره صفاتی، مشهور به «مجتهد صفاتی»، از بانوان فقیهه و فعال در عرصه‌های علمی و فرهنگی معاصر اختصاص دارد. وی که در سال ۱۳۲۸ ش در آبادان و در خانواده‌ای مذهبی متولد شد، از نوجوانی به فراگیری علوم دینی روی آورد و از سال ۱۳۴۵ ش، تحصیلات حوزوی خود را در حوزه علمیه آبادان آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۴۹ ش و برای ادامه

تحصیل، به قم رفت و با بهره‌گیری از محضر استادان برجسته حوزه، مسیر تحصیل علوم حوزوی را تا رسیدن به مرتبه اجتهاد ادامه داد. فعالیت علمی وی، بیش از همه بر فقه و مسائل زنان متمرکز شد و تدریس و پژوهش در موضوعاتی همچون احکام زنان، طهارت و مسائل مربوط به دماء زنان، تکلیف، ایستگسی و دیگر مسائل فقهی مرتبط با این قشر را در دربر گرفت و توجه به مسائل بانوان عالمه در مرحله پس از آن به تشویق زنان فقیه برای ورود تحصی به مسائل فقهی بانوان و تولید دانش در این حوزه انجامیده است. صفاتی در خاطرات خود، از آغاز تدریس درس خارج فقه برای بانوان و دیدار با رهبر انقلاب در جریان روایت می‌کند: «در سال ۱۳۷۶، تدریس خارج فقه مخصوص بانوان را پی گرفتم و نخستین درس من «طهارت» بود. در همان آغاز درایقم بسیاری از بانوان در فهم برخی احکام طهارت با دشواری روبه‌رو هستم؛ دشواری‌ای که لزوم بازنگری، توضیح دقیق‌تر و بازخوانی دوباره این باب مهم از فقه را روشن‌تر می‌کرد. با آنکه در گذشته‌فقه‌ای بزرگ تلاش‌های ارزشمند و ماندگاری در این عرصه مهم در دسترس اما گسترش علوم، تحولات اجتماعی و نیازهای نوپیدای زنان، ضرورت پژوهش‌های تازه و نگاه دوباره به مسائل فقهی را بیش از همیشه آشکار می‌ساخت...»

همزمان و به گفته وی، رهبر انقلاب روزهای دوشنبه نشست‌هایی با جمعی از استادان حوزه و دانشگاه بر گزار می‌کردند و در این جلسات آنان مسائل و دغدغه‌های علمی حوزه را مطرح می‌کردند. صفاتی نیز در یکی از این جلسات، به همراه همسرش حضور می‌یافت. در آن نشست، جمعی از استادان دانشگاه علوم پزشکی مشهد درباره فعالیت‌های خود در «خلق پزشک» و مسائل فقهی مرتبط با آن گزارشی ارائه کردند. بانو صفاتی در ادامه روایت خود می‌گوید: «پس از ارائه گزارشی از فعالیت‌هایشان رهبر انقلاب نکات مهمی را یادآور شدند. نخست بر اهمیت «موضوع‌شناسی» در فقه تأکید کردند و فرمودند:

اگر موضوعات به‌درستی شناخته شوند، صدور حکم شرعی با دقت بیشتری همراه خواهد بود. ایشان افزودند که این ضرورت، به‌ویژه در دو عرصه اقتصاد و احکام بانوان، باید با جدیت دنبال شود. سپس با اشاره به مسائل زنان و به‌خصوص مباحث باب طهارت تأکید کردند که هرچند فقه‌ای گذشته تلاش‌های ارزشمندی در این حوزه‌ها داشته‌اند، اما این مقولات نیازمند بازنگری و پژوهش‌های تازه است. ایشان توصیه کردند که بانوان فقیه در حوزه‌های علمیه با همکاری متخصصان رشته‌های مرتبط، احکام مربوط به زنان را ساماندهی کنند...» این توصیه، برای صفاتی صرفاً یک سخن علمی نبود. او که تدریس درس خارج «طهارت» را برای بانوان را آغاز کرده بود، این سخنران را نوعی تأکید بر ضرورت ادامه و تعمیق مسیری دانست که پیش‌تر آغاز کرده بود: «در پایان جلسه، خدمت حضرت آقا عرض کردم: «مدتی است که تدریس این مباحث را آغاز



۱۳۹۲ دی‌ماه، در دیدار با جمعی از بانوان



آیت‌الله خامنه‌ای حضور می‌یافتند و از این طریق با مباحث دینی و اجتماعی روز آشنا می‌شدند. روایت یکی از شاگردان مکتب نرجس از حضور در این جلسات، تصویری زنده از فضای فکری و آموزشی آن سال‌ها به دست می‌دهد: «نماز ظهر را با عجله در مکتب نرجس می‌خواندیم و سپس با اشتیاق فراوان، به مسجد امام حسن مجتبی (ع) در همین محله می‌رفتم؛ جایی که آیت‌الله خامنه‌ای رهبر عزیزمان، جلسات تفسیر قرآن داشتند. به‌خوبی به خاطر دارم چندین روز پیاپی، شاید تا نیمه ماه رمضان، درباره خلای بنی‌عباس، هارون‌الرشد، مأمون و دیگر خلفا سخن می‌گفتند. دانشجویان بسیاری در جلسات ایشان حضور داشتند، مطالب را می‌نوشتند، با دستگاه پل‌ی کپی تکثیر می‌کردند و در اختیار دیگران قرار می‌دادند. فضای بسیار پرشور و عجیبی بر این دو جلسه حاکم بود؛ جلساتی که تقریباً در کنار یکدیگر و پشت سر هم بر گزار می‌شد؛ ابتدا در مکتب نرجس و سپس در مسجد امام‌حسن مجتبی(ع). بیان شیوای آیت‌الله خامنه‌ای، تأثیر عمیقی بر مخاطبان داشت.

هنوز هم تعدادی از همان برگ‌های درسی ایشان را در اختیار دارم که در آنها با استناد به آیات قرآن، درباره خلای بنی‌عباس و حکومت‌های استمگر سخن گفته بودند. این خاطره را به‌بهترین خاطرات آن دوران برای من است...» آنچه به این دو روایت برای تاریخ‌آموزش زنان اهمیت می‌بخشد، قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر است: در یک سو، تربیت علمی یک بانوی فعال و مؤسس مکتب نرجس و در س‌وی دیگر، حضور مستقیم بانوان در جلسات عمومی تفسیر و بهره‌گیری آنان از آموزش‌های دینی و اجتماعی. به این ترتیب، آموزش دینی زنان در مشهد تنها به فراگیری فردی محدود نماند، بلکه به تدریج، به شکل‌گیری نسلی از بانوان انجامید که حضوری فعال در عرصه مبارزات انقلابی به همراه داشتند.

■ **روایت سوم، توصیه به بانوان فقیه برای بازخوانی فقه زنان**
روایت دوم به بانو زهره صفاتی، مشهور به «مجتهد صفاتی»، از بانوان فقیهه و فعال در عرصه‌های علمی و فرهنگی معاصر اختصاص دارد. وی که در سال ۱۳۲۸ ش در آبادان و در خانواده‌ای مذهبی متولد شد، از نوجوانی به فراگیری علوم دینی روی آورد و از سال ۱۳۴۵ ش، تحصیلات حوزوی خود را در حوزه علمیه آبادان آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۴۹ ش و برای ادامه

تحصیل، به قم رفت و با بهره‌گیری از محضر استادان برجسته حوزه، مسیر تحصیل علوم حوزوی را تا رسیدن به مرتبه اجتهاد ادامه داد. فعالیت علمی وی، بیش از همه بر فقه و مسائل زنان متمرکز شد و تدریس و پژوهش در موضوعاتی همچون احکام زنان، طهارت و مسائل مربوط به دماء زنان، تکلیف، ایستگسی و دیگر مسائل فقهی مرتبط با این قشر را در دربر گرفت و توجه به مسائل بانوان عالمه در مرحله پس از آن به تشویق زنان فقیه برای ورود تحصی به مسائل فقهی بانوان و تولید دانش در این حوزه انجامیده است. صفاتی در خاطرات خود، از آغاز تدریس درس خارج فقه برای بانوان و دیدار با رهبر انقلاب در جریان روایت می‌کند: «در سال ۱۳۷۶، تدریس خارج فقه مخصوص بانوان را پی گرفتم و نخستین درس من «طهارت» بود. در همان آغاز درایقم بسیاری از بانوان در فهم برخی احکام طهارت با دشواری روبه‌رو هستم؛ دشواری‌ای که لزوم بازنگری، توضیح دقیق‌تر و بازخوانی دوباره این باب مهم از فقه را روشن‌تر می‌کرد. با آنکه در گذشته‌فقه‌ای بزرگ تلاش‌های ارزشمند و ماندگاری در این عرصه مهم در دسترس اما گسترش علوم، تحولات اجتماعی و نیازهای نوپیدای زنان، ضرورت پژوهش‌های تازه و نگاه دوباره به مسائل فقهی را بیش از همیشه آشکار می‌ساخت...»

همزمان و به گفته وی، رهبر انقلاب روزهای دوشنبه نشست‌هایی با جمعی از استادان حوزه و دانشگاه بر گزار می‌کردند و در این جلسات آنان مسائل و دغدغه‌های علمی حوزه را مطرح می‌کردند. صفاتی نیز در یکی از این جلسات، به همراه همسرش حضور می‌یافت. در آن نشست، جمعی از استادان دانشگاه علوم پزشکی مشهد درباره فعالیت‌های خود در «خلق پزشک» و مسائل فقهی مرتبط با آن گزارشی ارائه کردند. بانو صفاتی در ادامه روایت خود می‌گوید: «پس از ارائه گزارشی از فعالیت‌هایشان رهبر انقلاب نکات مهمی را یادآور شدند. نخست بر اهمیت «موضوع‌شناسی» در فقه تأکید کردند و فرمودند:

اگر موضوعات به‌درستی شناخته شوند، صدور حکم شرعی با دقت بیشتری همراه خواهد بود. ایشان افزودند که این ضرورت، به‌ویژه در دو عرصه اقتصاد و احکام بانوان، باید با جدیت دنبال شود. سپس با اشاره به مسائل زنان و به‌خصوص مباحث باب طهارت تأکید کردند که هرچند فقه‌ای گذشته تلاش‌های ارزشمندی در این حوزه‌ها داشته‌اند، اما این مقولات نیازمند بازنگری و پژوهش‌های تازه است. ایشان توصیه کردند که بانوان فقیه در حوزه‌های علمیه با همکاری متخصصان رشته‌های مرتبط، احکام مربوط به زنان را ساماندهی کنند...» این توصیه، برای صفاتی صرفاً یک سخن علمی نبود. او که تدریس درس خارج «طهارت» را برای بانوان را آغاز کرده بود، این سخنران را نوعی تأکید بر ضرورت ادامه و تعمیق مسیری دانست که پیش‌تر آغاز کرده بود: «در پایان جلسه، خدمت حضرت آقا عرض کردم: «مدتی است که تدریس این مباحث را آغاز

کرده‌ام» ایشان با دقت شنیدند و نکاتی را یادآور شدند. پس از آن دیدار، احساس کردم مسئولیتی جدید بر عهده‌ام گذاشته شده است و تصمیم گرفتم تدریس در س خارج «طهارت» را با اهتمام بیشتری ادامه دهم...»

بانو صفاتی در ادامه به پیگیری نماینده ولی‌فقیه برای عملیاتی شدن این توصیه اشاره می‌کند: «چند روز بعد، نماینده ولی‌فقیه در دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران و ایران با من تماس گرفت و اعلام کرد آمادگی دارد تا بستر لازم را برای کار بر موضوع شناسی که مورد تأکید رهبر انقلاب بود، فراهم کند. او از من برای همکاری دعوت کرد و من نیز این پیشنهاد را پذیرفتم. حدود دو سال، هر هفته به دانشگاه تهران می‌رفتم تا مسائل پزشکی مرتبط با زنان را بررسی کنم. در این مدت، به‌عنوان پژوهشگر مسائل زنان از متخصصان حوزه‌های پزشکی، داروسازی و جنین‌شناسی اطلاعات ارزشمندی دریافت می‌کردم. آنان موضوعات علمی را با دقت برایم تشریح می‌کردند و من نیز احکام فقهی مربوط به آنها را استخراج و تبیین می‌کردم. این همکاری علمی، آقای‌های تاسازهای را در فهم مسائل زنان پیش رویم گشود. در این نشست‌ها، شماری از استادان برجسته دانشگاه و جراحان مطرح در حوزه‌های آناتومی و جنین‌شناسی حضور داشتند. فضای جلسات چنان زنده و پویا بود که مباحث موضوع‌شناسی بسادقت و عمق بیشتری پیش می‌رفت. حاصل این گفت‌وگوها نیز قابل توجه بود زیرا طی آن، موضوعات مهمی در حوزه احکام بانوان با نگاهی علمی و دقیق بررسی شده؛ از مباحث نفاس و زخم‌ها گرفته تا سن آغاز عادت زناگنی و مسائل مشابه. یکی از برجسته‌ترین مباحث، مقوله به‌دله نطفه بود؛ مسئله‌ای که تا آن زمان کمتر با نگاه کارشناسی واکاوی شده بود. بسیاری معتقد بودند نطفه و علقه مقدار ثابتی دارد، اما ما ابتدا فاصله زمانی میان انعقاد نطفه و مرحله‌ای را که واقعاً عنوان نطفه بر آن صدق می‌کند، مشخص کردیم و سپس حکم فقهی آن را با توجه به یافته‌های علمی مورد بازنگری قرار دادیم. در همان دوره، مباحثی همچون روش‌های پیشگیری از بارداری، بیماری‌های اختصاصی زنان و منشأ آنان نیز با پیگیری و تلاش کرد تا احکام فقهی مرتبط با این مسائل را نیز روشن سازم. یکی دیگر از مباحث مهم، مسئله یائسگی بود؛ موضوعی که سال‌ها درباره آن پاسخ روشنی ارائه نشده بود. پس از بررسی‌های دقیق و رسیدن به نظریه‌ای مستند، آن را با اطمینان مطرح کردم. هرچند در آغاز با مخالفت‌هایی روبه‌رو شدم، اما به‌تدریج این دیدگاه مورد توجه قرار گرفت و حتی برخی مراجع عظام، از جمله آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، دیدگاه‌های جدیدی را در این زمینه مطرح کردند. در بخش دیگری از پژوهش‌ها لازم بود تأثیر داروها بر سیستم بدن، به‌ویژه هورمون‌ها نیز بررسی شود. این بخش برای من و پزشکان حاضر بسیار جذاب بود زیرا نشان می‌داد چگونه یک دارو می‌تواند بر سازوکار دقیق بدن انسان اثر بگذارد. پزشکان اطلاعات پزشکی لازم را با حوصله در اختیار می‌گذاشتند و من نیز حکم فقهی مرتبط با هر مسئله را استخراج و ارائه می‌کردم. آنان بارها به من می‌گفتند: معنای واقعی پیوند حوزه و دانشگاه همین است. این همکاری علمی، برای من تجربه‌ای بسیار ارزشمند و ماندگار بود. این تجربه دو ساله در واقع نمونه‌ای عملی از همان رویکردی بود که در دیدار با رهبر انقلاب بر آن تأکید شده بود: شناخت دقیق موضوع، گفت‌وگو میان فقیه و متخصص و سپس استنباط حکم متناسب با موضوع واقعی. در این فرآیند، بانوان فقیه نه تنها به مسائل زنان از منظر فقهی می‌پرداختند، بلکه برای فهم دقیق موضوعات به سرعت دانش‌های تخصصی می‌رسید. چنین تجربه‌ای را می‌توان گامی مهم در مسیر شکل‌گیری رویکردی نو به فقه زنان و تقویت جایگاه علمی بانوان فقیه در این عرصه دانست...»

■ **کلام آخر**

سه روایتی که در این نوشتار بر آنها مرور شد، اگرچه به دو مقطع متفاوت از تاریخ معاصر ایران تعلق دارند، اما در یک نقطه مشترک به هم می‌رسند: توجه به زن به‌عنوان صاحب دانش دینی و کنشگر علمی و فرهنگی. در روایت بانو فاطمه طاهایی، این رویکرد در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در قالب تقویت بنیه علمی یک بانوی فعال و فراهم‌کردن زمینه برای ادامه تربیت دیگر بانوان نمود یافت و در روایت بانو زهره صفاتی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تشویق یک بانوی فقیه برای ورود تخصصی‌تر به عرصه فقه زنان و پیوند دادن دانش حوزوی با دانش‌های تخصصی دانشگاهی انجامید.

این دو تجربه نشان می‌دهد حمایت از تحصیل و رشد علمی زنان، در نگاه رهبر شهید انقلاب، تنها به فراهم‌کردن امکان آموزش علوم دینی برای آنان محدود نبود، بلکه در افقی گسترده‌تر، تربیت زنانی که خود بتوانند دانش بیاموزند، تولید کنند، آموزش دهند و در تحولات علمی و فرهنگی جامعه نقش‌آفرین باشند، مورد توجه قرار داشت. از این منظر، فاصله میان مکتب نرجس در مشهد و نشست‌های علمی فقه پزشکی در تهران، اگرچه فاصله‌ای چند دهه‌ای است، اما می‌توان در هر دو، یک خط ممتد را مشاهده کرد: حرکت از آموزش بانوان به تربیت بانوان عالمه و از تربیت عالمه به میدان دادن به زن فقیه برای تولید و توسعه دانش. این مسیر، بخشی کمتر دیده‌شده از تاریخ آموزش و حضور علمی زنان در ایران معاصر است. روایتی که بازخوانی آن می‌تواند درک ما را از نقش زنان در تحولات فکری، فرهنگی و علمی پیش و پس از انقلاب اسلامی کامل‌تر کند.